

# مسجد قوة الاسلام (قطب منار) هند

دکتر احمد رجب محمدعلی

ترجمه سید محمد غضنفری

## اشاره

کتاب تاریخ و بنای مساجد باستانی در هند، نوشته دکتر احمد رجب محمدعلی، از استادان دانشگاه مصر و مدرس آثار و بناهای اسلامی، به وسیله انتشارات الدارالمصریة اللبنانیة، در سال ۱۹۹۷م، در قاهره منتشر شد.

کتاب پنج فصل دارد. در قسمت اول هر فصل، تاریخ و سیر تحول حکومت‌های دوره‌های مختلف اسلامی در هند بحث می‌شود. در قسمت دوم، مساجد تاریخی به تفصیل بیان می‌شود. در این مقاله، فقط قسمت دوم فصل تاریخ و بنای مسجد قوة الاسلام (قطب منار)، ترجمه شده است. کتاب شامل ۳۲۳ صفحه متن، و ۹۷ قطعه عکس در پایان آن، است.

## مقدمه

مطالعه تمدن اسلامی و بناهای آن در شرق جهان اسلام، به طور کلی، و در شبه قاره هند به طور خاص، از زمینه‌هایی جدید و نوبه شمار می‌رود. چنین کاری به مطالعه و پژوهش بیش از پیش نیاز دارد؛ زیرا اسلام از همان قرن‌های نخست به وسیله محمد بن قاسم، به این مناطق وارد شد. پس از آن، سرزمین هند شاهد فتوح اسلامی جاودانه، و حکومت‌های اسلامی متعددی بود، و پرچم اسلام بر فراز

آن مناطق برافراشته شد. بنا و ساخت مساجد از سوی مسلمانان شروع شد، و مأذنه‌های رفیع آسمان دهلی، آگرا، فاتح پور سکری و دیگر شهرهای بزرگ هند را شکافت.

این حکومت‌های اسلامی که یکی پس از دیگری حاکمیت هند را بر عهده داشتند و پرچم اسلام را به یکدیگر سپردند، میراث معماری ارزشمندی را از خود به جای گذاشتند، که صدها کتاب نمی‌تواند شرح و وصف آن را باز گوید، و حق آن را ادا کند.

در این کتاب به مطالعه اصول تمدن اسلامی و درخشش آن - که همانا مسجد در ادوار مختلف هند باشد - می‌پردازم و تلاش می‌کنم کوشش مسلمانان در این مناطق، و شکوفایی تمدن اسلامی که در زمانهای طولانی نصیب این مرز و بوم گردید، بازگویم. مساجد هند، نمونه و دلیلی بر اوج فن آوری و ذوق معماری مسلمانان در هند به شمار می‌رود.

کتاب از پنج فصل تشکیل شده است:

فصل اول، از مساجد هند پیش از دوره مغول همراه با اشاره‌ای تاریخی به حکومت‌های اسلامی که پیش از مغول حاکمیت داشتند، سخن می‌گوید. این حکومت‌ها عبارتند از: غزنویان، مملوکیان (ممالیک)، غوریان، طغلقیان، اشراف (سادات) و لودیان. فصل دوم، درباره مساجد باستانی هند در دوره مغول تا پایان

دهد و آن را به عنوان کاری جدید به کتابخانه کتابهای عربی اضافه کند.  
«رینا افش بینا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین» [اعراف/۸۹] (پروردگار ما، میان ما و قوم ما به حق راهی بگشا و تو بهترین راهگشایان هستی).

### مسجد قوه الاسلام (۵۸۹ هـ. ق / ۱۱۹۲ م)

#### موقعیت

مسجد قوه الاسلام، قطب منار، در جنوب غربی دهلی، در کنار شهر دهلی، قرار دارد.

#### بانی و تاریخ ساخت

بانی این مسجد جامع، سلطان مملوکی قطب الدین ایبک، مؤسس دولت مملوکیان در هند است. سلطان ایبک در سال ۵۸۹ هـ. ق / ۱۱۹۲ م، شروع به تأسیس مسجدی کرد تا آن را مسجد جامع قرار دهد. سرانجام در سال ۵۹۴ هـ. ق / ۱۱۹۷ م، از ساخت آن فارغ شد. ابتدا، مسجد به نام مسجد جامع دهلی معروف بود، زیرا مسجد

دوره امپراتور اکبر است.

فصل سوم، درباره مساجد باستانی هند در دوره مغول، بعد از امپراتور اکبر، تا پایان دوره امپراتور شاه جهان است.

فصل چهارم، شامل مساجد مغول پس از دوره شاه جهان تا پایان دوره مغول، و اشغال هند به وسیله انگلستان در سال ۱۸۵۷ م است.

[فصل پنجم، مبحثی تحلیلی درباره نوع معماری، عناصر معماری و خلاصه نقشه مساجد در هند است (م)].

هر فصل، با مبحثی تاریخی از آن برهه خاص، آغاز می شود. و آن، بدین جهت است که اطلاعاتی از زمانی که مساجد در آن ایجاد شدند، ارائه کند.

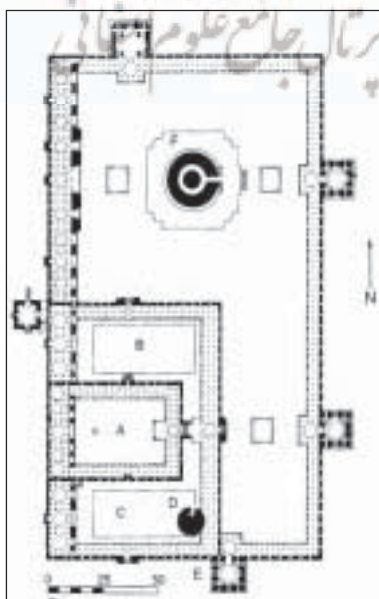
سپس برای توصیف و ترسیم این مکانها، تحقیقی میدانی از محل انجام دادم؛ به طوری که نزدیک به یک سال در کشور هند به سر بردم. در این مدت، دائماً از شهری به شهری دیگر، از دانشگاهی به دانشگاهی دیگر، از مسجدی به مسجدی دیگر، و از کتابخانه ای به کتابخانه ای دیگر رفتم تا توانستم این کتاب را به پایان برسانم. نکته قابل توجه در این کتاب، آن است که عمده مطالب آن، به طور شخصی و از مطالعه میدانی از محل انجام شده است.

همچنین، در این کتاب مقدار زیادی نقشه، شامل نماهایی از روبه رو، بالا و برخی از اطلاعات تکمیلی را ضمیمه نمودم، که بیشتر آنها را مستقیماً از محل، و بقیه را از کتابها و مراجع خارجی، بویژه انگلیسی و آلمانی، تهیه کرده ام. همچنین بیشتر این اماکن را مستقیماً از محل عکاسی کرده ام، که همراه با مستندات و توضیحات است. همه عکسهای این کتاب، به وسیله مؤلف انجام شده است.

در پایان و نه در آخر، از خداوند متعال می خواهم که این کار را - که تحمل و رنج بسیار برای آن کشیدم و زحمت فراوان بردم - در ترازوی اعمال خوبم، همچون عملی که از آن بهره برده می شود، قرار



مناره مسجد قوه الاسلام (قطب منار)



ایوان شمالی مسجد قوه الاسلام

ایوان قبله با ستونهای هندویی که به وسیله قطب الدین ایبک پس از تخریب معابد هندوها از آنجا آورده بود، بنا شد. لذا روی آن نقش و نگارهای کاملاً هندویی را می‌یابیم. همچنین، بر روی بعضی از آنها تصاویری از خدایان، اعتقادات، تصاویر انسان، و داستانها و افسانه‌های هندویی را، به ویژه در ایوانهای کناری، شمالی و جنوبی صحن مشاهده می‌کنیم.

#### ایوان شرقی

این ایوان از دو قسمت (غرفه) تشکیل شده است که بر روی آن دو سقف سنگی مسطح قرار دارد. سه گنبد مخروطی شکل، ایوان را دربردارند: گنبدی در وسط و دو گنبد در دو طرف. همچنین، طاق این ایوان، با ستونهایی به سبک هندویی که از معابد هندوها گرفته شده، بنا و برپا شده است؛ بویژه تاجهای صلیبی آن، که چهارگوش می‌باشد و هر گوشه آن به شکل انسانی است که دست و پاهای آن همچون ریسمانی، میان سقف را دربر گرفته‌اند.



#### ایوانهای شمالی و جنوبی

هر یک از این دو ایوان، از یک قسمت (غرفه) تشکیل شده است که از دو ردیف ستون تشکیل یافته است؛ ردیفی که مشرف بر صحن است، و یک ردیف که به دیوار چسبیده است.

در این ستونها، هیچ‌گونه برجستگی خاصی مشاهده نمی‌شود؛ به این معنا که از معماری قدیم هندوها و نیز معماری اسلامی بی‌بهره است. لذا ما در کاشیها، تزییناتی که مربوط به اعتقادات هندویی است، مشاهده می‌کنیم. روی بعضی از آنها، تصویرهایی از داستانها و اساطیر مربوط به عقاید هندویی مشاهده می‌شود. و بر برخی دیگر، اشکال قلب مانند که به صورت آویزان نشان داده شده‌اند، که آن نیز از عناصر مرسوم در معابد هندوها بوده است، می‌یابیم.

همچنین، بر بعضی از کاشیکاریها تزیینات زنجیرهای بافته شده و اشکال گاو، که آن نیز جزء رموز دینی در اعتقادات هندویی است، می‌یابیم.

همه این ستونها - همان‌طور که گذشت - از مساجد هندویی و بودایی قدیم است، که قطب الدین ایبک آنها را منهدم کرده بود، و با نابود کردن آنها مسجدش را بنا کرد؛ که چه بسا، تعبیری از پیروزی او بر دین هندو و دشمنان هندویی اش باشد. و شاید این عمل ما را به یاد رفتار پادشاهان اسپانیایی می‌اندازد، زمانی که مساجد را به کلیسا تبدیل کردند، ولی نوشته‌های قرآنی آن را نگاه داشتند، و نیز مانند



جامع کنونی که بعدها ایجاد شد، وجود نداشت. سپس، این مسجد به نام مسجد قوه الاسلام، معروف شد. اینک، این مسجد به نام مسجد قطب منار - به دلیل مشخصه خاص این مسجد که همانا مأذنه منحصر به فرد و سبک زیبای آن است - معروف می‌باشد.

#### بنای مسجد

مسجد اصلی که سلطان قطب الدین ایبک آن را برپا کرد، مستطیل شکل بود. طول آن از شرق به غرب به حدود ۷۰ متر، و از شمال به جنوب، به حدود ۴۵ متر می‌رسید. این مسجد، صحن روبازی در وسط دارد، که چهار ایوان آن را احاطه کرده است. در ادامه، به تفصیل مطلب پرداخته می‌شود.

#### صحن

صحن مسجد، مستطیل شکل و ابعاد آن از شرق به غرب، حدود ۴۰ متر و از شمال به جنوب، ۲۸ متر است، که با آجرهای قرمز سنگفرش شده است. هم‌اینک، تعدادی تابوت سنگی مربوط به قرون مختلف در آنجا یافت می‌شود. همچنین، ایوانهایی از چهار طرف، بر آن احاطه دارد.

#### ایوان قبله

ایوان قبله در سمت غربی صحن قرار دارد، و با هفت کنگره - که بزرگترین آنها از لحاظ گستردگی و ارتفاع کنگره وسطی است - بر صحن مشرف است. بر روی نمای ایوان قبله که مشرف بر صحن است، نقش و نگارهای گل و بوته بر روی سنگ به شکل حلزونی کنده‌کاری شده و بر روی زمینه آن، گل‌های ریز و آیات قرآنی با خط نسخ نوشته شده است.

داخل ایوان قبله مساحت مستطیل شکلی را دربر دارد، که ابعاد آن از شمال به جنوب، ۲۸ متر و از شرق به غرب، ۱۵ متر است و از سه قسمت تشکیل شده است. بالای آن، پنج گنبد مخروطی شکل قرار دارد. اینک، دیوار قبله مسجد اصلی فرو ریخته است. لذا، ما نمی‌توانیم اثبات کنیم که در اینجا محرابهایی بوده است؛ هرچند به احتمال قوی، در آنجا پنج محراب وجود داشته است؛ محرابی در مقابل هر بنای چهارگوش که در بالای آن هم گنبدی قرار داشت، همچون سبک مساجدی مانند مسجد باراجومباد و مسجد عیسی خان در عهد خاندان بنی لودی که در همان زمانها ایجاد شدند.





نقش‌های گل و بوته و کتیبه‌های قرآنی ایوان قبله

آنچه که ناصر محمدبن قلاوون انجام داد، زمانی که در کلیسایی در عکا را - پس از عقب راندن صلیبیان - به در مدرسه اش در نحاسین آویخت.

### ستون آهنی

در سمت غربی صحن مسجد قوه الاسلام، ستون آهنی بزرگی است، که بر روی آن، نوشته‌هایی به خط سانسکریت از دوران خاندان جیتا، بویژه پادشاه هندویی، شاندرآ جیتای دوم (۳۵۷ هـ. ق / ۹۷۹ م) وجود دارد. قطب‌الدین ایبک این ستون را از یکی از معابد هندویی برداشت، و آن را در صحن مسجد قرار داد.

این کار، گفته قبلی مرا تأیید می‌کند که همانا قطب‌الدین ایبک به طور عمد این کارها را انجام داد تا بدین وسیله پیروزی اش را بر هندوها تأکید کرده باشد. و این ستون آهنی، بیشتر به برج‌های فرعون‌نما شباهت دارد، که روی آن به طور کامل، پیروزیا و ماجراهای امپراتور شاندرآ جیتا ثبت شده است؛ همچنانکه فراغه مصر نیز این کار را می‌کردند. به اعتقاد من، قطب‌الدین ایبک از محتوای نوشته‌ها و معناهای آن چیزی نمی‌دانست و فقط این ستون آهنی را به عنوان نمادی از پیروزی و جاودانگی آن، در مسجد قرار داده بود.

### مناره قطب‌الدین ایبک (قطب منار)

این مناره، جدای از مسجد اصلی، در حدود ۲۵ متر دورتر از آن است، و در جنوب شرقی مسجد قرار دارد. این مناره، دایره‌ای شکل است که قطر آن از پایین حدود ۱۵ متر است که هرچه به طرف بالا رو می‌کنیم، باریکتر می‌شود.

این مناره از پنج طبقه تشکیل شده که در بین آنها، چهار بالکن (دیده‌بان) دایره‌ای شکل است که به یک سری از سازه‌های زنجیروار تکیه دارند و به صورت زیبا و بدیع‌ترین شده‌اند. طبقه اول: دارای ضلع‌های برجسته‌ای یکی به صورت نصف دایره و دیگری به صورت مثلث یکی در میان می‌باشد. و در ادامه این اضلاع، سنگ‌نوشته‌هایی از آیات قرآن به خط نسخ آمده که بر روی سنگ حکاکی شده است.

طبقه دوم: قطر آن، از طبقه اول کمتر است. و این طبقه نیز دارای اضلاع برجسته‌ای و به صورت نیمه استوانه‌ای می‌باشد. در بدنه مناره، سنگ‌نوشته‌هایی به خط نسخ به صورت دو کتیبه سنگی بر روی سنگ قرمز وجود دارد.

طبقه سوم: قطر آن از طبقه دوم، کمتر و دارای اضلاع برجسته به صورت مثلث است. پس از این طبقه نیز یک ردیف از کتیبه‌های سنگی نوشته شده به چشم می‌خورد.

طبقه چهارم: دایره‌ای شکل و بدون هرگونه برجستگی و تزیینات خاصی است و قطر و ارتفاع آن از سه طبقه پایتتر، کمتر است.

طبقه پنجم: دایره‌ای شکل و بدون برجستگی است که بین آن و بین طبقه چهارم، بالکن (دیده‌بان) می‌باشد، که به وسیله سازه‌هایی به هم متصل می‌باشد، و نسبت به سه بالکن پایتتر دیگر تزیینات کمتری دارد. و از بالا هم به یک بالکن منتهی می‌شود که در وسط آن، میله‌ای قرار دارد که بالای آن سر مآذنه قرار دارد. این مناره، نمونه‌ای بی‌مانند است که سبک آن نه در معماری هندی بعد از آن، و نه در هیچ منطقه‌ای دیگر، یافت نمی‌شود. این مناره، نه تنها از زیباترین مآذنه‌های در هند، بلکه در جهان به شمار می‌رود. در اصل این مآذنه، چهار طبقه داشت. طبقه پنجم و همچنین طبقه چهارم فعلی، از اصلاحات سلطان فیروزشاه خلجی در سال ۱۳۶۸ م است، که و پس از آنکه دچار فرسودگی‌هایی شده بود، ساخته شد.

### اضافات سلطان تمش

هنگامی که سلطان تمش، جانشین سلطان ایبک، احساس کرد که مسجد گنجایش نمازگزاران را ندارد، دستور داد که مسجد، بویژه از

دو طرف شمال و جنوب، گسترش یابد.

از طرف شمال، برخی بناها به مسجد اضافه شد. و از طرف جنوب، صحن مستطیل شکلی که ابعاد آن از شرق به غرب ۵۰ متر و از شمال به جنوب ۲۵ متر امتداد پیدا کرد. همچنین، وی ایوان قبله در مسجد اصلی را ادامه داد تا اینکه سمت غربی صحن را از دو طرف دربرگیرد. سمت شمالی به طرف صحن شمالی و سمت جنوبی به طرف صحن جنوبی امتداد یافت. در ضمن برای هر طرف از شمال و جنوب هم، ایوانی دو قسمته (غرفه‌ای) اضافه شد، و در مسجد اصلی نیز سه گنبد افزوده شد. این سه گنبد در کف، از دو محوطه جداگانه تشکیل شده است.

همچنین برای هر یک از دو صحن، حوضی مربعی شکل برای وضو اضافه کرد، که طول هر ضلع آن حدود ۱۰ متر است. اهم تغییراتی که به وسیله سلطان تمش به مسجد اصلی اضافه گشت، عبارتند از:

۱. نبود قبه (گنبد کوچک) بر روی ایوانهای اطراف صحن، بجز در ایوان قبله، که شامل سه قبه در هر طرف از دو طرف مسجد اصلی بود.

۲. به کار نبردن ستونها از معابد قدیم هندویی، همانند کاری که سلطان قطب الدین در برداشتن از معابد انجام می داد، و نهایتاً آنها را فقط در مسجد اصلی استفاده کرد.

۳. سلطان تمش سه ورودی به مسجد اضافه کرد؛ اول در وسط ایوان شمالی، دوم در وسط ایوان جنوبی، و سوم هم در وسط ایوان شرقی.

اضافات سلطان علاءالدین خلجی به مسجد قوه الاسلام (۷۱۰ هـ. ق / ۱۳۱۱ م)

سلطان علاءالدین خلجی، دومین پادشاه حکومت خلجی در هند، به سال ۷۱۰ هـ. ق / ۱۳۱۱ م، اضافات و توسعه‌هایی را در مسجد قوه الاسلام انجام داد.

#### میزان افزایش و توضیح آن

این میزان افزایش، بیشترین اضافاتی است که در مسجد انجام شده است. این توسعه، شامل گسترش مسجد از طرف شمال،

اضافه کردن فضایی به میزان مساحت قبلی، و همچنین توسعه مسجد از طرف شرق و اضافه کردن فضایی به آن به میزان نصف مساحت مسجد اصلی است؛ یعنی، نصف مساحت میزانی که در سمت شمال به مسجد افزوده شده بود. نتیجه آنکه، مساحت مسجد توسعه یافته از جهت شمال و شرق، دو برابر مساحت مسجد پس از گسترش آن، در زمان سلطان مملوکی تمش بود.

همچنین، ایوان قبله از سمت غرب بیش از افزایش در سمت شمال مسجد امتداد پیدا کرد، ولی اسلوب معماری اش همان بود، که در زمان سلطان تمش اضافه شده بود. این افزایش با نه گنبد ملور شکل، پوشانده شده بود.

همچنانکه ایوانی به قسمت شمال از صحن جدید اضافه شد که طول آن از شرق به غرب، ۱۲۰ متر و عرض آن، حدود ۹ متر با سقفی مسطح بود که بدون هیچ گنبدی گسترده شد. همچنین، سلطان علاء الدین بعد از گسترش مسجد، ایوانی در سمت شرق مسجد ایجاد کرد، که امتداد آن از شمال به جنوب، ۲۵۰ متر و از شرق به غرب، ۹ متر است. نتیجه این اضافات آن شد که مسجد دارای چهار صحن گردید؛ صحن مسجد اصلی و دو صحن که در زمان سلطان تمش در سمت شمال و جنوب افزوده شده بود - که این سه صحن مستطیل شکلند - و صحن اضافه شده در زمان علاءالدین به شکل «ل» می باشد؛ به طوری که از دو صحن به هم چسبیده درست شده، که یکی به سمت شمال مسجد اصلی و دیگری به طرف شرق آن است.

#### مناره علاءالدین خلجی

در وسط صحن جدید شمالی مسجد قوه الاسلام، سلطان علاءالدین خلجی مناره بزرگی را ساخت که هم اکنون بجز طبقه پایین آن، نمانده است. قطر این طبقه از پایین آن ۵۴ متر، از بالایش ۴۰ متر، و ارتفاعش ۲۸ متر است. از بقایای این طبقه این طور برمی آید که این مناره از سنگ سرخ ساخته شده بود، و یکی از بزرگترین مناره‌های عالم اسلامی به حساب می آید. به طوری که اعتقاد بر آن است که ارتفاع آن، به بیش از صد متر می رسد و از لحاظ قطر هم - همان گونه که پیش از این بیان کردیم - بیش از ۵۰ متر داشت.



بخش پایینی مناره مسجد قوه الاسلام



ستون آهنی واقع در صحن مسجد قوه الاسلام